

تأثیر محافظه کاری در حسابداری بر ارتباط بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت و بدهی مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

الهه محمد حسینی

گروه حسابداری، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران.
emohammadhoseini@nus.ac.ir

چکیده

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی به مجموعه‌ای از اقدامات و تعهدات اشاره دارد که شرکت‌ها در راستای تأثیرگذاری مثبت بر جامعه و محیط‌زیست انجام می‌دهند. همچنین، محافظه کاری در حسابداری به عنوان رویکردی برای مدیریت عدم قطعیت و کاهش ریسک، می‌تواند بر تصمیمات مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر محافظه کاری در حسابداری بر ارتباط بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت و بدهی مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای نیل به هدف پژوهش، از اطلاعات مالی ۱۶۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ابتدای سال ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۴۰۱ و برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره و داده‌های ترکیبی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و بدهی مالی رابطه معناداری وجود ندارد و افشای اطلاعات CSR به‌تنهایی تأثیری بر میزان بدهی مالی شرکت‌ها ندارد. با این حال، تعامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی با محافظه کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری بر بدهی مالی دارد؛ به طوری که افشای محافظه کارانه اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی موجب افزایش اعتماد اعتباردهندگان و دسترسی راحت‌تر شرکت‌ها به منابع مالی می‌شود. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت ترکیب رویکردهای محافظه کارانه با افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی در بهبود شرایط مالی شرکت‌ها است.

واژگان کلیدی: محافظه کاری حسابداری، مسئولیت اجتماعی شرکت، بدهی مالی.

مقدمه

در عصر حاضر، پایداری و پاسخ‌گویی اجتماعی شرکت‌ها به یکی از موضوعات کلیدی در حوزه مدیریت و حسابداری تبدیل شده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی به مجموعه‌ای از اقدامات و تعهدات اشاره دارد که شرکت‌ها در راستای تأثیرگذاری مثبت بر جامعه و محیط‌زیست انجام می‌دهند. این مفهوم به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی در ارزیابی عملکرد سازمان‌ها، فراتر از معیارهای مالی صرف، به ابزاری برای سنجش پایداری و تأثیرات بلندمدت سازمان بر ذی‌نفعان تبدیل شده است. با توجه به چالش‌های جهانی همچون کمبود منابع، تغییرات اقلیمی و رسوایی‌های مالی شرکت‌ها، نیاز به افشای اطلاعات مرتبط با مسئولیت اجتماعی بیش از پیش احساس می‌شود (شوبانديا و رحمدھانی، ۲۰۲۴). این موضوع به‌ویژه در کشورهایی با ساختار اقتصادی خاص، همچون ایران، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.

در ایران، به دلیل وجود تحریم‌های اقتصادی، شرایط نامطلوب محیط کسب‌وکار و دشواری‌های دسترسی به منابع مالی، شرکت‌ها برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و تأمین مالی خود نیازمند شفافیت و افشای اطلاعات گسترده‌تر هستند (بحری

ثالث و فرخی، ۱۴۰۲). افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان شرکت و اعتباردهندگان و همچنین افزایش شفافیت اطلاعاتی عمل کند. این امر به بهبود دسترسی به منابع مالی با هزینه کمتر کمک شایانی می‌کند (ولی زاده لاریجانی و مفاخری باشماق، ۱۴۰۳). با این حال، تأثیر واقعی افشای مسئولیت اجتماعی بر بدهی مالی شرکت‌ها و نقش تعدیل‌گر محافظه‌کاری در حسابداری، همچنان نیازمند بررسی دقیق و علمی است.

ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند تأثیرات مثبتی بر عملکرد مالی و غیرمالی سازمان داشته باشد (ژو و همکاران، ۲۰۱۴؛ شوپانندیا و رحمدهانی، ۲۰۲۴؛ الشماری و همکاران، ۲۰۲۲). از یک سو، افشای مسئولیت اجتماعی شرکت، نشان‌دهنده چشم‌انداز بلندمدت و تعهد سازمان به جامعه و محیط‌زیست است که می‌تواند به کاهش هزینه‌های نمایندگی و جذب سرمایه‌گذاران باکیفیت کمک کند (لیو و لو، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، محافظه‌کاری حسابداری که به‌عنوان رویکردی محتاطانه در شناسایی درآمدها و هزینه‌ها شناخته می‌شود، می‌تواند از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش شفافیت مالی، نقش مهمی در تصمیمات تأمین مالی ایفا کند (علی، ۲۰۲۲). با این وجود، تعامل میان این دو عامل و تأثیر آن بر بدهی مالی شرکت‌ها، به‌ویژه در بازارهای نوظهور همچون ایران، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ایران با ساختار اقتصادی منحصربه‌فرد خود، از جمله حضور گسترده شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی در بورس اوراق بهادار تهران، بستر مناسبی برای مطالعه این موضوع فراهم می‌آورد (سهمانی اصل و همکاران، ۱۴۰۰). در شرایطی که تحریم‌های اقتصادی فشار زیادی بر منابع مالی شرکت‌ها وارد کرده است، بررسی عواملی که می‌تواند به کاهش هزینه‌های تأمین مالی و افزایش دسترسی به اعتبارات کمک کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه میان افشای مسئولیت اجتماعی شرکت و بدهی مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران، تلاش دارد تا به شکاف موجود در ادبیات پژوهشی پاسخ دهد. زیرا، یکی از چالش‌های اصلی در مدیریت مالی شرکت‌ها، تأمین منابع مالی با هزینه مناسب و در دسترس است. در این راستا، عواملی همچون شفافیت اطلاعاتی و اعتماد سرمایه‌گذاران نقش بسزایی دارند. افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای افزایش شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، می‌تواند بر تصمیمات تأمین مالی تأثیرگذار باشد (لیو و همکاران، ۲۰۲۵؛ لی و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، اثربخشی این افشا تحت تأثیر عواملی نظیر سیاست‌های حسابداری شرکت قرار دارد. محافظه‌کاری حسابداری، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حسابداری، می‌تواند از طریق مدیریت ریسک و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، نقش مهمی در بهبود دسترسی شرکت‌ها به منابع مالی ایفا کند (گو و همکاران، ۲۰۲۰).

در محیط اقتصادی ایران که تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی و نوسانات اقتصادی قرار دارد، شرکت‌ها با مشکلات زیادی در زمینه تأمین مالی مواجه هستند. از این‌رو، بررسی این مسئله که آیا افشای مسئولیت اجتماعی می‌تواند به بهبود دسترسی شرکت‌ها به منابع مالی کمک کند و چگونه محافظه‌کاری حسابداری ممکن است این رابطه را تعدیل کند، از اهمیت بالایی برخوردار است. درحالی‌که مطالعات پیشین در زمینه رابطه میان مسئولیت اجتماعی شرکت و بدهی مالی تمرکز داشته‌اند، نقش محافظه‌کاری حسابداری به‌عنوان عامل تعدیل‌کننده کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. محافظه‌کاری در حسابداری به‌عنوان رویکردی برای مدیریت عدم قطعیت و کاهش ریسک، می‌تواند بر تصمیمات مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیرگذار باشد (محمد و همکاران، ۲۰۲۵). این رویکرد با کاهش سود تقسیمی و ایجاد ذخایر مالی، از یک سو توانایی شرکت‌ها برای مدیریت منابع مالی را افزایش داده و از سوی دیگر اعتماد اعتباردهندگان را جلب می‌کند. درعین حال، افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از طریق ارائه اطلاعات غیرمالی مرتبط با عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی، می‌تواند به کاهش نگرانی‌های سرمایه‌گذاران و افزایش اعتبار شرکت در بازار کمک کند. با این حال، تعامل

این دو عامل ممکن است پیچیده باشد. به عنوان مثال، در حالی که افشای مسئولیت اجتماعی می تواند به بهبود دسترسی به منابع مالی کمک کند، رویکرد محافظه کاری حسابداری ممکن است این اثر را تضعیف یا تقویت کند. از این رو، درک بهتر این تعامل و تأثیر آن بر بدهی مالی شرکتها، نیازمند بررسی های دقیق و شواهد تجربی است که پژوهش حاضر به دنبال انجام این کار است.

باتوجه به موارد فوق، پژوهش حاضر چند نوآوری کلیدی دارد. اول، به طور خاص به بررسی تعامل میان افشای مسئولیت اجتماعی شرکتها (مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی) و محافظه کاری حسابداری در تأثیرگذاری بر بدهی مالی می پردازد، که پیش تر در ادبیات پژوهشی به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. دوم، این مطالعه در بستر اقتصادی ایران، با ساختار منحصر به فرد شامل تحریم های بین المللی، حضور گسترده شرکت های دولتی و شرایط اقتصادی خاص انجام می شود که یافته های آن می تواند به ارائه دیدگاه های کاربردی برای سایر بازارهای نوظهور کمک کند. سوم، پژوهش با تمرکز بر نقش تعدیل کننده محافظه کاری حسابداری، درک عمیق تری از سازوکارهای مؤثر بر تأمین مالی شرکتها ارائه می دهد و بدین ترتیب شکاف موجود در ادبیات این حوزه را پر می کند. با ارائه شواهد تجربی در این زمینه، این پژوهش تلاش می کند تا به مدیران مالی، حسابرسان و سیاست گذاران در اتخاذ تصمیمات بهتر کمک کند و همچنین به ادبیات علمی در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت و محافظه کاری حسابداری در بازارهای نوظهور اضافه کند.

ادبیات و مبانی نظری

مسئولیت اجتماعی شرکتها

مسئولیت اجتماعی، فراتر رفتن از چاقوب حداقل الزامات قانونی است که سازمانها در آن فعالیت دارند. در واقع مسئولیت اجتماعی رویکرد متعالی به کسب و کار است که تأثیر اجتماعی یک سازمان بر جامعه چه داخلی و چه خارجی را مدنظر قرار می دهد و هدف اصلی آن گردهم آوردن تمامی بخش ها اعم از دولتی، خصوصی و داوطلبان جهت همکاری با یکدیگر است تا از یک سویی منافع اقتصادی با محیط زیست و از سوی دیگر سبب توفیق، رشد و پایداری کسب و کار شود. مسئولیت اجتماعی حاکمیت خلاق را به دنبال دارد، یعنی در چارچوب مسئولیت اجتماعی سازمان کارهایی را که برای جامعه خوب و مناسب است انجام داده و از اموری که برای اجتماع می توان زیان آور باشد دوری می کند (ولت، ۲۰۲۰). مسئولیت اجتماعی، مجموعه وظایف و تعهداتی است که سازمان بایستی در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه ای که در آن فعالیت می کند، انجام دهد (تای، ۲۰۱۴). مسئولیت اجتماعی شرکت به فعالیتهای شرکت برای ایجاد روابط بهتر با سهامداران اصلی اشاره دارد که می تواند منجر به افزایش ثروت سهامداران شود (هرمیندیتو، ۲۰۲۲). به طور کلی مسئولیت اجتماعی شرکت در گزارش سالانه شرکت افشا می شود. شرکت هایی با عملکرد زیست محیطی و اجتماعی خوب به سرمایه گذاران پاسخ مثبت خواهند داد. این مهم را می توان از فعالیتهای مسئولیت اجتماعی شرکتها که نقش اساسی در افزایش ارزش شرکت ایفا می کند، مشاهده کرد. بر اساس تئوری ذی نفعان، شرکتها همیشه سعی می کنند بین ارزش های شرکت و هنجارهای اجتماعی در محیط اجتماعی اطراف، جایی که شرکت بخشی از محیط اجتماعی است، هماهنگی ایجاد کنند (آریاتاما و راهاراجا، ۲۰۲۱).

امروزه مفهوم مسئولیت اجتماعی در سطح وسیعی مورد پذیرش قرار گرفته و معنای آن حوزه هایی چون ایمنی، محصول، صداقت در تبلیغات، حقوق کارکنان، پایداری محیط زیست، رفتار اخلاقی و مسئولیتهای جهانی را در برمی گیرد و ذی نفعان وسیعی از کارکنان، مشتریان، جوامع، محیط زیست، رقبا، شرکای تجاری، سرمایه گذاران، سهامداران و دولت ها را شامل می شود. شرکت هایی که عملکرد اجتماعی بالایی دارند تمایل بیشتری به افشای عمومی فعالیتهای اجتماعی خود دارند. سطح بالای شفافیت در اطلاعات باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه گذاران می شود و این

خود باعث کاهش ریسک می‌گردد (گول و همکاران، ۲۰۱۱). برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که شرکت‌هایی که به عملکرد مسئولیت اجتماعی توجه می‌کنند به احتمال کمتری به مدیریت سود می‌پردازند (کیم و همکاران، ۲۰۱۴)، عملکرد مالی بهتر و هزینه سرمایه کمتری خواهند داشت (گول و همکاران، ۲۰۱۱). پژوهش‌های متفاوتی در راستای مسئولیت اجتماعی انجام شده است. به طور خاص، چن و هانگ (۲۰۲۰)، با بررسی نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تایوان نشان دادند که شرکت‌هایی که فعالیت مسئولیت اجتماعی بالاتری دارند، نه تنها شفافیت اطلاعات بیشتری در خصوص مسئولیت اجتماعی دارند و تعامل را با ذی‌نفعان تقویت می‌کنند، بلکه کمتر در مدیریت سود درگیر می‌شوند. رضایی و همکاران (۲۰۱۹)، با استفاده از چهار معیار به کار برده شده برای کیفیت سود در نمونه‌ای از شرکت‌های چینی نشان دادند که شرکت‌هایی که رتبه مسئولیت اجتماعی بالاتری دارند، نسبت به سایر شرکت‌ها مدیریت سود کمتری داشته و سودهای گزارش شده آنان پایداری بیشتری داشته و تصویر دقیق‌تری از جریان نقدی آتی شرکت را نشان می‌دهد. کاری و همکاران (۲۰۱۷)، رابطه مثبتی بین گزارشگری مالی داوطلبانه مسئولیت اجتماعی و هزینه حسابرسی در چین گزارش نمودند و نشان دادند که شرکت‌های چینی از گزارش مسئولیت اجتماعی به عنوان ابزاری استراتژیک برای پوشاندن خلأهای حاصل از گزارشات استفاده می‌کنند، در نتیجه اطلاعات مالی لزوماً باکیفیت نیستند و حسابرسان در پاسخ به افزایش ریسک حسابرسی تلاش بیشتری را برای حسابرسی به کار می‌گیرند.

در ایران نتایج پژوهش میرزاپور (۱۴۰۲)، نشان می‌دهد که بین افشای مسئولیت اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ ارتباط معکوس و معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش مشایخ و همکاران (۱۴۰۰)، نشان می‌دهد که با افزایش افشای مسئولیت اجتماعی، کیفیت اطلاعات حسابداری بهبود می‌یابد و اظهارنظر حسابرس با احتمال بیشتری مقبول می‌گردد. حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۹)، دریافتند ارتباط مثبتی بین ارزش شرکت و امتیاز گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها وجود دارد. نتایج پژوهش گروسی و همکاران (۱۳۹۹)، نشان می‌دهد که شرکت‌ها با مسئولیت اجتماعی بالاتر ارزش بازار سرمایه بیشتر و هزینه سرمایه کمتری دارند. نتایج پژوهش حاجیها و شاکری (۱۳۹۸)، در خصوص ارتباط میان معیارهای راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی نشان می‌دهد که بین معیار تمرکز مالکیت و مسئولیت اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد، ولی میان معیار درصد سهام در دست سهامداران عمده و مسئولیت اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد. کردستانی و همکاران (۱۳۹۸)، نشان دادند که سطح افشای مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبت معناداری بر نرخ بازده دارایی‌ها، سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها دارد؛ همچنین سطح افشای مسئولیت اجتماعی تأثیر منفی معناداری بر نرخ هزینه سرمایه شرکت‌ها دارد.

تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی بر بدهی مالی

مطالعات پیشین که رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکتی و بدهی مالی را بررسی کرده‌اند، نتایج متناقضی ارائه داده‌اند. برخی مطالعات نشان داده‌اند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی تأثیر مثبتی بر دسترسی شرکت‌ها به بدهی مالی دارد (چنگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ آنیس و اوتاما، ۲۰۱۶؛ حمروانی و همکاران، ۲۰۱۹؛ تان و همکاران، ۲۰۲۰). با این حال، مطالعات دیگری تأثیر منفی را مستند کرده‌اند (مگنالی و ایزو، ۲۰۱۷؛ مایکلز و گرونینگ، ۲۰۱۷). بر اساس نظریه مشروعیت، فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی مشروعیت اجتماعی شرکت را افزایش داده و شهرت آن را بهبود می‌بخشند و به این ترتیب دسترسی به بدهی مالی را تسهیل می‌کنند (لیندبلوم، ۱۹۹۴؛ ساچمن، ۱۹۹۵؛ چو و پاتن، ۲۰۰۷؛ چن و رابرتز، ۲۰۱۰؛ کو و چن، ۲۰۱۳؛ چاووی و همکاران، ۲۰۱۵؛ ماتهووا و همکاران، ۲۰۱۷؛ و یانگ و همکاران، ۲۰۱۸). در این راستا، چنگ و همکاران (۲۰۱۴)، ارتباط بین استراتژی‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و بدهی مالی را

بررسی کردند. مطالعه آن‌ها با استفاده از نمونه‌ای شامل شرکت‌هایی از ۴۹ کشور نشان داد که شرکت‌هایی با عملکرد بهتر در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی محدودیت‌های سرمایه‌ای کمتری دارند. حمروانی و همکاران (۲۰۱۹)، تأثیر گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی بر نسبت‌های اهرمی را با استفاده از نمونه‌ای شامل ۸۰ شرکت فرانسوی در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ بررسی کردند. نتایج نشان داد که بین امتیازات افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و نسبت‌های اهرمی رابطه مثبتی وجود دارد و سطح بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت با افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی افزایش می‌یابد. به همین ترتیب، یانگ و همکاران (۲۰۱۸)، با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۲۰۸ شرکت چینی ارتباط بین گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و ساختار سرمایه را بررسی کردند و دریافتند که افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی نسبت بدهی بلندمدت را افزایش می‌دهد. همچنین، تان و همکاران (۲۰۲۰)، اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی بر انتخاب شرکت‌ها بین تأمین مالی عمومی و خصوصی را بررسی کردند. نتایج این مطالعه، که نمونه‌ای شامل ۱۵۹۱ شرکت آمریکایی از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ را در بر می‌گرفت، نشان داد شرکت‌هایی با افشای بیشتر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، اوراق قرضه‌ای با شرایط مطلوب‌تر مانند سررسید طولانی‌تر و بازده پایین‌تر منتشر می‌کنند.

مطالعات دیگری نیز تأثیر مثبت افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی بر بدهی مالی، به‌ویژه در بانک‌ها و نهادهای مالی، را نشان داده‌اند. به‌عنوان نمونه، بی و همکاران (۲۰۱۸)، تأثیر فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی بر نرخ بهره وام‌ها را بررسی کردند. نمونه آن‌ها شامل ۵۸۰۰ بانک از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۸ بود و نتایج نشان داد که نقاط قوت مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی به کاهش ریسک شرکت‌ها و کاهش نرخ بهره وام منجر می‌شود. گاس و رابرتز (۲۰۱۱)، تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی بر بدهی بانکی را با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۵۳۴ شرکت آمریکایی از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۶ بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد شرکت‌هایی با پایین‌ترین امتیاز مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی تا ۲۰ واحد پایه بیشتر از شرکت‌های مسئول‌تر هزینه پرداخت می‌کنند. همچنین، آنیس و اوتاما (۲۰۱۶)، دریافتند که بانک‌ها در تصمیم‌گیری برای اعطای وام، برای افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی ارزش قائل هستند و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی اطلاعات بیشتری را برای ارزیابی ریسک وام‌گیرندگان به بانک ارائه می‌دهد. در مقابل، برخی مطالعات رابطه منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و دسترسی به بدهی مالی را گزارش کرده‌اند. مگنانلی و ایزو (۲۰۱۷)، رابطه بین عملکرد اجتماعی شرکتی و هزینه بدهی را با استفاده از نمونه‌ای شامل ۳۳۲ شرکت بین‌المللی از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ بررسی کردند. نتایج نشان داد که عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی هزینه بدهی را مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد، به این معنا که نهادهای مالی کاهش ریسک مرتبط با فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی را اعمال نمی‌کنند و آن‌ها را به‌عنوان ائتلاف منابع در نظر می‌گیرند که تأثیر منفی بر بدهی مالی دارد. چوا (۲۰۱۴)، اشاره می‌کند که برخی وام‌دهندگان ممکن است برای اجتناب از ریسک‌های اعتباری یا مسئولیت‌های احتمالی خود و یا به دلایل اجتماعی از اعطای وام به شرکت‌ها بر اساس پروفایل زیست‌محیطی آن‌ها خودداری کنند. مگنانلی و ایزو (۲۰۱۷)، نیز پیشنهاد کردند که بانک‌ها فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی را به‌عنوان انحراف پرهزینه منابع شرکت در نظر می‌گیرند.

بر اساس بحث فوق، به نظر می‌رسد که تأثیر فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی بر بدهی مالی، به‌ویژه در بازارهای نوظهور، را نمی‌توان به صورت دقیق پیش‌بینی کرد. زیرا یافته‌های گویای اثرات متناقض هستند و در محیط‌های متفاوت این تأثیرگذاری متفاوت است. بنابراین، فرضیه اول به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: بین فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و بدهی مالی رابطه معناداری وجود دارد.

تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی بر بدهی مالی

در رابطه با تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر مسئولیت اجتماعی شرکتی، اکثر مطالعات پیشین تأیید کرده‌اند که محافظه‌کاری حسابداری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی تأثیر دارد، اما نتایج این مطالعات در خصوص نوع این تأثیر متناقض بوده است. محافظه‌کاری حسابداری ممکن است تأثیر منفی بر فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی داشته باشد، زیرا مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی ممکن است با سرمایه‌گذاری بیش از حد برای ارضای تمایل مدیران به ایجاد شهرت مرتبط باشد، بدون آنکه فعالیت‌های مؤثری انجام شود که به آن نمایش ظاهری می‌گویند (گاس و رابرتز، ۲۰۱۱).

از سوی دیگر، محافظه‌کاری حسابداری یک مکانیسم مؤثر برای کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد است (آناگنوستوپولو و همکاران، ۲۰۲۱). چو و همکاران (۲۰۲۰)، رابطه بین درجه محافظه‌کاری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی داوطلبانه و واکنش قیمت سهام به چنین افشاهایی را بررسی کردند. نمونه شامل ۳۸۴ شرکت از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ بود و نتایج نشان داد که افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی در شرکت‌هایی که گزارشگری مالی محافظه‌کارانه‌تری دارند کمتر است و واکنش بازار به افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی در این شرکت‌ها کاهش می‌یابد. همچنین، آناگنوستوپولو و همکاران (۲۰۲۱)، رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی را بررسی کردند و نتایج نشان داد که سطح بالاتر محافظه‌کاری حسابداری با جهت‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی شرکت‌های آمریکایی رابطه منفی دارد.

در مقابل، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳)، و پپو و لی (۲۰۱۳)، نشان دادند که محافظه‌کاری حسابداری ممکن است به تأمین منابع مالی برای انجام فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی کمک کند، زیرا محافظه‌کاری حسابداری توانایی مدیریت برای انجام رفتارهای فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهد که از طریق آن منافع خود را تأمین می‌کند و همچنین امکان توزیع ثروت به یک ذینفع به هزینه ذینفعان دیگر را کاهش می‌دهد. در این زمینه، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳)، ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد اجتماعی شرکت را بررسی کردند. نمونه شامل ۲۹۳ شرکت از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ بود و نتایج نشان داد که رابطه مثبتی بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد اجتماعی قوی وجود دارد. از سوی دیگر، کورنیاوان و ویووو (۲۰۰۹)، ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی را تحلیل کردند. نمونه شامل ۲۱ بانک اندونزیایی پذیرفته شده در بورس اندونزی (IDX) از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ بود و نتایج نشان داد که هیچ ارتباطی بین محافظه‌کاری حسابداری و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی وجود ندارد. همچنین، آنیس و اوتاما (۲۰۱۶)، دریافتند که محافظه‌کاری حسابداری تأثیر معناداری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی ندارد.

محافظه‌کاری به اعتباردهندگان کمک می‌کند تا اعتبار وام‌گیرندگان را ارزیابی کنند (ابراهیم و همکاران، ۲۰۱۹)، و امکان شناسایی زبان‌های زود هنگام را فراهم می‌کند که اطلاعات به‌موقعی در مورد ریسک نکول به اعتباردهندگان ارائه می‌دهد. این امر می‌تواند به شناسایی سریع‌تر نقض میثاق‌ها و کاهش ریسک نزولی کمک کند. همچنین، به وام‌گیرندگان کمک می‌کند تا هزینه بدهی کمتری داشته باشند (بال و همکاران، ۲۰۰۸؛ ژانگ، ۲۰۰۸).

پژوهش‌هایی نیز تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر بدهی مالی را بررسی کرده‌اند. در این راستا کانگ و همکاران (۲۰۱۷)، رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و دسترسی به بدهی برای دستیابی به رشد شرکت را بررسی کردند. نمونه شامل شرکت‌های آمریکایی از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۸ بود و نتایج نشان داد که رابطه مثبتی بین محافظه‌کاری حسابداری و رشد آتی تأمین‌شده از طریق بدهی وجود دارد. در مقابل، لی (۲۰۱۲)، بررسی کرد که آیا رابطه‌ای بین محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها در خصوص انتشار بدهی وجود دارد یا خیر. نمونه شامل ۴۳,۵۹۸ شرکت آمریکایی از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۷ بود و نتایج نشان داد که مدیریت نقدینگی در شرکت‌هایی که گزارشگری محافظه‌کارانه

بیشتری دارند، از انعطاف پذیری کمتری در تصمیمات مرتبط با انتشار بدهی برخوردار است. نتایج نشان داد که شرکت‌هایی که گزارشگری محافظه کارانه تری دارند از هزینه بدهی کمتری برخوردارند، اما در عین حال برخی از انعطاف‌پذیری در دسترسی آتی به سرمایه را از دست می‌دهند. همچنین، گیگلر و همکاران (۲۰۰۹)، بررسی کردند که چگونه AC بر کارایی قراردادهای بدهی تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان داد که محافظه‌کاری حسابداری کارایی قراردادهای بدهی را کاهش می‌دهد.

بر اساس بحث فوق، روشن است که اکثر مطالعاتی که تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر مسئولیت اجتماعی شرکتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و بدهی مالی را بررسی کرده‌اند، در کشورهای توسعه‌یافته انجام شده‌اند. همچنین، مطالعات پیشین یا به بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی پرداخته‌اند یا ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و بدهی مالی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که تاکنون پژوهشی اثر تعدیل‌گری محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و بدهی مالی را، به‌ویژه در کشورهای نوظهور مانند ایران، بررسی نکرده است. بنابراین، فرضیه دوم به شرح زیر مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: محافظه‌کاری حسابداری رابطه بین فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و بدهی مالی را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر آرشیوی و پس‌رویدادی است؛ بدین معنی که داده‌های موردنیاز از پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف، همانند گزارش‌های سالانه شرکت‌ها و گزارش‌های بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده است. در پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴ لغایت ۱۴۰۱ که صورت‌های مالی خود را به بورس اوراق بهادار تهران ارائه کرده‌اند، جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. نمونه پژوهش نیز به روش حذفی از میان آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شد که شرایط زیر را داشته باشند: قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس پذیرفته شده باشند و تا پایان سال ۱۴۰۱ نام آن‌ها از فهرست مذکور حذف نشده باشد؛ به دلیل همگون کردن اطلاعات مورد استفاده، سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد؛ اطلاعات مدنظر هر یک از شرکت‌های مورد مطالعه در دسترس باشد؛ به‌منظور تشابه ماهیت فعالیت، نوع اقلام و طبقه‌بندی آن‌ها و همگن بودن اقلام افشاشده در بعد اجتماعی و از آنجایی که شرکت‌های تولیدی نسبت به شرکت‌های خدماتی، به فعالیت‌های اجتماعی و اخلاقی اهمیت بیشتری می‌دهند، شرکت‌های انتخاب‌شده تولیدی باشد.

با اعمال شرایط گفته شده، تعداد ۱۶۳ شرکت (۱۳۰۴ مشاهده) به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

مدل‌ها و متغیرها

در پژوهش حاضر مدل رگرسیون خطی چندگانه برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. از مدل (۱) برای آزمون فرضیه اول و از مدل (۲) برای آزمون فرضیه دوم استفاده شده است.

مدل (۱)

$$DF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{i,t} + \beta_2 AC_{i,t} + \beta_3 TQ_{i,t} + \beta_4 SAL_{i,t} + \beta_5 SZ_{i,t} + \beta_6 AQ_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۲)

$$DF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{i,t} + \beta_2 AC_{i,t} + \beta_3 AC_{i,t} \times CSR_{i,t} + \beta_4 TQ_{i,t} + \beta_5 SAL_{i,t} + \beta_6 SZ_{i,t} + \beta_7 AQ_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن DF بدهی مالی، CSR افشای مسئولیت اجتماعی شرکت، AC محافظه‌کاری حسابداری، TQ نسبت کیو توبین، SAL فروش، SZ اندازه شرکت، AQ کیفیت حسابرسی، i و t به ترتیب نماد شرکت و سال هستند.

متغیر وابسته

DF: بدهی مالی؛ نسبت مجموع بدهی‌ها در پایان دوره جاری تقسیم بر مجموع دارایی‌ها در پایان دوره جاری؛

متغیر مستقل

شاخص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR)، متغیر مستقل پژوهش است. برای سنجش افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و شناسایی ابعاد و شاخص‌های آن اگرچه هنوز هیچ اجماعی میان محققان و سازمان‌ها وجود ندارد، با این حال معیارها و استانداردهای بین‌المللی زیادی را پژوهشگرانی از قبیل هاکستون و میلن (۱۹۹۶)، برانکو و رودریگز (۲۰۰۸)، حنیفه و کوک (۲۰۰۵)، جنیفره و تیلور (۲۰۰۶)، خان (۲۰۱۰) و صالح و همکاران (۲۰۱۰)، سازمان‌های تدوین استاندارد و بورس‌های مختلف از قبیل ایزو ۲۶۰۰۰، شاخص پایداری داوونز^۱، سازمان پیشگام گزارشگری جهانی^۲ (GRI) و شاخص کی‌آلدی^۳ (KLD) تهیه کرده‌اند. بر این اساس، به‌منظور تدوین چک‌لیست افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ابتدا تعداد زیادی از منابع نظری، پژوهشی، استانداردها و معیارهای بین‌المللی مرتبط در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بررسی شد و با توجه به فراوانی ابعاد و مؤلفه‌های استفاده‌شده در پژوهش‌های قبلی و با ترکیب استانداردها و رهنمودهای بین‌المللی و در نظر گرفتن شرایط محیطی ایران، چک‌لیست نهایی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به شرح جدول ۱ استخراج گردید.

جدول (۱): نحوه اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی	
افشای مسئولیت اجتماعی شرکتها (CSR)	سپس برای سنجش رتبه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از روش تحلیل محتوای ^{۱۵} با رویکرد شاخص مطابق رابطه (۱) استفاده شده است رابطه (۱): $CSR\ Score = \frac{\text{تعداد ارقام افشا شده}}{\text{تعداد کل ارقام قابل افشا}}$ در رویکرد شاخص ^{۱۶} ، تحلیل محتوا به استنباط نتایج بر اساس بودن یا نبودن ویژگی‌هایی که در پیام تعریف شده است، می‌پردازد. در این رویکرد اگر یک‌قلم از افشای ارقام مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها انجام شده باشد، امتیاز ۱ و اگر افشا نشده باشد امتیاز ۰ داده می‌شود. در این رویکرد (وراچیز، ۲۰۰۷) در پژوهش حاضر، در صورتی که هرکدام از شاخص‌های مطرح شده در نگاره ۱ در گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌ها، افشا شده باشند به آن شاخص عدد یک (۱) و در صورتی که افشا نشده باشد به آن عدد صفر (۰) تعلق می‌گیرد؛ سپس برای هر شرکت تعداد ارقام (شاخص‌ها) افشاشده به تعداد کل ارقام (شاخص‌ها) قابل افشا، بیان‌کننده درصد افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است.

متغیر تعدیلی

¹ Dow Jones Sustainability Index (DJSI)

² Global Reporting Initiative

³ Kinder, Lydenberg and Domini

AC: محافظه کاری حسابداری؛ برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری از مدل محافظه کاری حسابداری شرطی بال و شیوا کومار (۲۰۰۵) به شرح رابطه (۱) استفاده می شود. باقیمانده این مدل بیانگر محافظه کاری حسابداری است.

$$ACC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 DCFO_{i,t} + \alpha_2 CFO_{i,t} + \alpha_3 DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$ACC_{i,t}$: کل اقلام تعهدی (نسبت سود خالص منهای جریان های نقدی عملیاتی، تقسیم بر مجموع دارایی های ابتدا دوره)،
 $DCFO_{i,t}$: تغییر مجازی در صورتی که جریان های نقدی عملیاتی منفی باشد یک و در غیر این صورت صفر،
 $CFO_{i,t}$: جریان های نقدی عملیاتی است که بر دارایی های ابتدا دوره تقسیم می شود.

متغیرهای کنترلی

TQ: نسبت کیوتوبین؛ برابر است با نسبت مجموع بدهی ها و ارزش بازار سهام شرکت، تقسیم بر مجموع دارایی ها در پایان سال جاری.

SAL: فروش شرکت؛ لگاریتم مجموع فروش در پایان سال جاری؛

SZ: اندازه شرکت؛ لگاریتم طبیعی مجموع دارایی ها در پایان سال جاری؛

AQ: متغیر ساختگی کیفیت حسابرسی؛ اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی و یا مفید راهبر باشد عدد ۱ در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می گیرد.

یافته ها

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۲) ارائه شده است. میانگین بدهی مالی ۰/۵۲۶ حاکی از فزونی بدهی ها بر حقوق مالکانه و احتمالاً ریسک مالی بالاست که می تواند توان جذب سرمایه را کاهش دهد. همچنین، امتیاز مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی ۰/۴۳۸ نشان دهنده کم کاری شرکت ها در زمینه اقدامات اجتماعی و محیطی است و می تواند به بی اعتمادی سرمایه گذاران منجر شود. از طرفی، محافظه کاری حسابداری نزدیک به صفر و دامنه وسیع آن نشان دهنده عدم هماهنگی در رویه های گزارشگری مالی است که می تواند ریسک های مالی را افزایش دهد. نسبت کیوتوبین ۴/۳۸۹ بیانگر انتظارات مثبت بازار از رشد شرکت هاست و نشان می دهد که آن ها در ایجاد ارزش افزوده برای سهامداران موفق هستند. همچنین، لگاریتم طبیعی فروش ۱۴/۳۸۹ و لگاریتم طبیعی دارایی ها ۱۵/۱۶۳ به قدرت رقابتی و دسترسی قوی این شرکت ها به منابع مالی اشاره دارد. در نهایت، حسابرسی ۲۵ درصدی توسط موسسات معتبر نمایانگر پایین بودن شفافیت مالی در میان شرکت هاست، که می تواند به نارضایتی و عدم اعتماد سرمایه گذاران منجر شود. بنابراین، شرکت ها باید در زمینه های مالی، اجتماعی و شفافیت بهبود یابند تا در بازارهای رقابتی عملکرد بهتری داشته باشند و به رشد پایدار دست یابند. دستیابی به این اهداف نیازمند اتخاذ استراتژی های مؤثر و اصلاح فرآیندها به منظور ارتقاء کیفیت و مسئولیت پذیری است.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	اختصار	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
بدهی مالی	DF	۰/۵۲۶	۰/۵۲۶	۱/۸۲۵	۰/۰۱۴	۰/۲۲۷
مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی	CSR	۰/۴۳۸	۰/۳۸۴	۱/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۲۷۷
محافظه کاری حسابداری	AC	۰/۰۰۰	-۰/۰۲۰	۳/۴۰۱	-۰/۸۱۵	۰/۲۱۳

۳/۶۴۴	۱/۱۶۴	۱۴/۶۰۸	۳/۰۱۳	۴/۳۸۹	TQ	نسبت کیوتوبین
۱/۸۶۲	۸/۵۰۵	۲۱/۹۴۷	۱۴/۷۳۲	۱۴/۸۸۹	SAL	فروش شرکت
۱/۷۳۲	۱۱/۱۹۸	۲۱/۵۷۲	۱۴/۹۲۳	۱۵/۱۶۳	SZ	اندازه شرکت
متغیرهای ساختگی						
درصد فراوانی حداکثر			درصد فراوانی حداقل			
۲۵ درصد			۷۵ درصد		AQ	کیفیت حسابرسی

یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیه اول

نتایج آزمون فرضیه اول بین فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و بدهی مالی رابطه معناداری وجود دارد. به شرح جدول (۳) است.

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره	سطح معناداری	همخطی	
مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی	CSR	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۲	-۰/۵۲۸	۰/۵۹۷	۱/۰۵۹	
محافظه‌کاری حسابداری	AC	-۰/۱۶۵	۰/۰۱۴	-۱۱/۶۱۰	۰/۰۰۰	۱/۰۷۰	
نسبت کیوتوبین	TQ	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	-۰/۵۶۹	۰/۵۷۰	۱/۱۱۶	
فروش شرکت	SAL	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	-۰/۶۱۱	۰/۵۴۱	۷/۱۲۷	
اندازه شرکت	SZ	-۰/۰۲۳	۰/۰۱۱	-۲/۱۰۵	۰/۰۳۶	۷/۴۲۲	
کیفیت حسابرسی	AQ	۰/۰۱۸	۰/۰۲۴	۰/۷۴۸	۰/۴۵۵	۱/۰۵۷	
		ضریب تعیین					۰/۹۰۶
		ضریب تعیین تعدیل شده					۰/۸۹۰
		آماره F					۵۵/۶۲۴
		سطح معناداری آماره F					۰/۰۰۰
		آماره دوربین واتسون					۲/۰۰۸
		آزمون لیمر					۲/۲۳۸
		سطح معناداری آماره لیمر					۰/۰۰۰
		آزمون هاسمن					۶۵/۳۶۱
		سطح معناداری آماره هاسمن					۰/۰۰۰
		واریانس ناهمسانی					۶/۵۷۴
		سطح معناداری واریانس ناهمسانی					۰/۰۰۰

با توجه به سطح معناداری آماره F در مدل آزمون شده که کمتر از ۵ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که این مدل در سطح کلی معنادار است. همچنین، مقدار آماره دوربین واتسون آن بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و بر این اساس می‌توان گفت خودهمبستگی سریالی بین اجزای اخلاقی وجود ندارد. در مدل اول سطح معناداری آماره لیمر، عدد (۰/۰۰۰) است که این مقدار، بیانگر پذیرش فرضیه صفر (کارایی روش تابلویی) بوده و حکایت از آن دارد که برای تخمین آن باید از روش داده‌های داده‌های تابلویی استفاده شود. با توجه به تابلویی بودن مدل، بایستی برای تعیین نوع داده‌ها تابلویی (روش

اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده شود. سطح معناداری آزمون هاسمن، در مدل اول پژوهش کمتر از ۵ درصد است که این مقدار حاکی از برتری روش اثرات ثابت در مقابل روش تصادفی است. بر اساس نتایج، عامل تورم واریانس برای متغیرهای بکار گرفته شده در مدل آزمون فرضیه اول پژوهش کمتر از ۱۰ می‌باشد. بنابراین، بین متغیرهای توضیحی در این مدل، هم‌خطی شدیدی وجود ندارد. نتایج آزمون وایت برای بررسی فرض همسانی واریانس در اجزای اخلال مدل اول پژوهش حاکی از وجود ناهمسانی واریانس است. بنابراین، برای رفع ناهمسانی واریانس از آزمون تصحیح وایت و روش GLS استفاده شد.

ضریب تعیین تعدیل شده مدل آزمون شده ۰/۸۹۰ است و نشان می‌دهد که تقریباً ۸۹ درصد تغییرات در متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی، تبیین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و بدهی مالی رابطه معناداری وجود ندارد (ضریب = -۰/۰۰۶ و سطح خطای معناداری = ۰/۵۹۷). بنابراین، می‌توان گفت که افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی تأثیری بر بدهی مالی شرکت‌ها نداشته است. بر اساس این یافته‌ها نمی‌توان فرضیه اول پژوهش را تأیید کرد.

آزمون فرضیه دوم

نتایج آزمون فرضیه دوم «محافظه‌کاری حسابداری رابطه بین فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و بدهی مالی را تعدیل می‌کند.» به شرح جدول (۴) است.

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره	سطح معناداری	همخطی
مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی	CSR	-۰/۰۰۹	۰/۰۱۳	-۰/۶۹۳	۰/۴۸۸	۱/۰۵۹
محافظه‌کاری حسابداری	AC	-۰/۲۱۰	۰/۰۲۴	-۸/۶۰۲	۰/۰۰۰	۴/۱۴۰
تعامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی با محافظه‌کاری حسابداری	AC*CSR	۰/۰۸۶	۰/۰۴۱	۲/۱۰۵	۰/۰۳۶	۳/۹۹۰
نسبت کیوتوبین	TQ	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	-۰/۶۰۷	۰/۵۴۴	۱/۱۱۹
فروش شرکت	SAL	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	-۰/۵۵۰	۰/۵۸۳	۷/۱۲۸
اندازه شرکت	SZ	-۰/۰۲۳	۰/۰۱۰	-۲/۴۱۳	۰/۰۱۶	۷/۴۳۲
کیفیت حسابرسی	AQ	۰/۰۲۱	۰/۰۲۸	۰/۷۳۲	۰/۴۶۵	۱/۰۵۹
ضریب تعیین		۰/۹۰۵				
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۸۸				
آماره F		۵۴/۵۲۰				
سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۰				
آماره دوربین واتسون		۲/۰۰۹				
آزمون لیمر		۲/۲۴۴				
سطح معناداری آماره لیمر		۰/۰۰۰				
آزمون هاسمن		۷۱/۸۵۱				
سطح معناداری آماره هاسمن		۰/۰۰۰				
واریانس ناهمسانی		۶/۷۹۵				
سطح معناداری واریانس ناهمسانی		۰/۰۰۰				

با توجه به سطح معناداری آماره F در مدل آزمون شده که کمتر از ۵ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که این مدل در سطح کلی معنادار است. همچنین، مقدار آماره دوربین واتسون آن بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و بر این اساس می‌توان گفت خودهمبستگی سریالی بین اجزای اخلاقی وجود ندارد. در مدل دوم سطح معناداری آماره لیمر، عدد (۰/۰۰۰) است که این مقدار، بیانگر پذیرش فرضیه صفر (کارایی روش تابلویی) بوده و حکایت از آن دارد که برای تخمین آن باید از روش داده‌های داده‌های تابلویی استفاده شود. با توجه به تابلویی بودن مدل، بایستی برای تعیین نوع داده‌ها تابلویی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده شود. سطح معناداری آزمون هاسمن، در مدل دوم پژوهش کمتر از ۵ درصد است که این مقدار حاکی از برتری روش اثرات ثابت در مقابل روش تصادفی است. بر اساس نتایج، عامل تورم واریانس برای متغیرهای بکار گرفته شده در مدل آزمون فرضیه دوم پژوهش کمتر از ۱۰ می‌باشد. بنابراین، بین متغیرهای توضیحی در این مدل، هم‌خطی شدیدی وجود ندارد. نتایج آزمون وایت برای بررسی فرض همسانی واریانس در اجزای اخلاقی مدل دوم پژوهش حاکی از وجود ناهمسانی واریانس است. بنابراین، برای رفع ناهمسانی واریانس از آزمون تصحیح وایت و روش GLS استفاده شد.

ضریب تعیین تعدیل شده مدل آزمون شده ۰/۸۸۸ است و نشان می‌دهد که تقریباً ۸۸ درصد تغییرات در متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی، تبیین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی با محافظه‌کاری حسابداری، تأثیر مثبت و معناداری بر بدهی مالی شرکت‌ها دارد (ضریب = ۰/۰۸۶ و سطح خطای معناداری = ۰/۰۳۶). این یافته‌ها نشان می‌دهد که هرگاه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با محافظه‌کاری همراه باشد، بدهی مالی شرکت‌ها افزایش می‌یابد. به این معنا که اگر شرکت‌ها اطلاعات مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود را محافظه‌کارانه افشا کنند، اعتباردهندگان راحت‌تر منابع مالی خود را در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

در محیط اقتصادی ایران که همچنان با چالش‌های متعدد نظیر نوسانات اقتصادی، تورم بالا، تحریم‌های بین‌المللی و عدم قطعیت‌های اقتصادی مواجه است، ارتباط میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی (CSR) و بدهی مالی می‌تواند ابعاد قابل توجهی از نحوه تعامل شرکت‌ها با بازارهای مالی و اعتباری را روشن کند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در شرایط فعلی، افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی به صورت مستقل تأثیر معناداری بر بدهی مالی شرکت‌ها ندارد. به عبارت دیگر، صرف ارائه اطلاعات درباره فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به تنهایی تأثیری بر اعتماد اعتباردهندگان و یا افزایش تمایل آنان به اعطای تسهیلات مالی نخواهد داشت. این امر احتمالاً به دلیل عدم اطمینان در تفسیر و استفاده از این اطلاعات یا فقدان ساختارهای استاندارد گزارشگری CSR در کشور است که منجر به ارزیابی متفاوت و بعضاً مبهم از سوی ذی‌نفعان مالی می‌شود.

با این حال، نتایج نشان داده است که تعامل CSR با محافظه‌کاری حسابداری تأثیری مثبت و معنادار بر بدهی مالی دارد. این موضوع نشان می‌دهد که محافظه‌کاری، به عنوان یکی از اصول بنیادی حسابداری که تأکید بر افشای اطلاعات محتاطانه دارد، می‌تواند اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی را برای اعتباردهندگان قابل اعتمادتر و کاربردی‌تر کند. در این شرایط، محافظه‌کاری به عنوان یک ابزار مؤثر عمل می‌کند که با کاهش ریسک ادراک شده، موجب افزایش تمایل اعتباردهندگان به ارائه منابع مالی به شرکت‌ها می‌شود. این یافته به ویژه در اقتصادی مانند ایران که میزان ریسک‌های اعتباری بالا است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در چارچوب این نتایج، می‌توان چندین عامل مؤثر بر نتایج را مورد بررسی قرار داد. نخست، محیط اقتصادی و نهادی ایران که همچنان با چالش‌های گسترده‌ای از جمله شفافیت پایین، نبود چارچوب‌های استاندارد گزارشگری CSR و ضعف در نهادهای نظارتی مواجه است. این عوامل می‌توانند تأثیرات افشای CSR را بر تصمیم‌گیری اعتباردهندگان تضعیف کنند. دوم، سطح آگاهی و حساسیت اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران نسبت به مفاهیم پایداری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی که هنوز در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر است. در چنین فضایی، محافظه‌کاری می‌تواند نقشی دوگانه ایفا کند: از یک سو با کاهش ابهامات اطلاعاتی، تصمیم‌گیری را تسهیل کند و از سوی دیگر، به‌عنوان مکانیزمی برای مدیریت ریسک عمل کند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل CSR با محافظه‌کاری به افزایش بدهی مالی منجر می‌شود. این موضوع از جنبه‌ای می‌تواند به معنای افزایش دسترسی شرکت‌ها به منابع مالی باشد، اما در عین حال ممکن است ریسک تعهدات مالی را نیز افزایش دهد. در اقتصادی که نرخ بهره بالا و فشارهای اقتصادی گسترده است، افزایش بدهی بدون بهره‌وری مناسب می‌تواند به بحران نقدینگی منجر شود. از این رو، نحوه مدیریت بدهی‌ها و به‌کارگیری منابع مالی اهمیت حیاتی دارد. به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌تنهایی ابزار قدرتمندی برای جلب نظر اعتباردهندگان نیست، اما اگر در تعامل با محافظه‌کاری حسابداری قرار گیرد، می‌تواند تأثیرگذار باشد. در محیط اقتصادی ایران، شرکت‌ها باید از این تعامل به‌عنوان یک فرصت استفاده کنند تا ضمن افزایش اعتماد اعتباردهندگان، هزینه سرمایه خود را کاهش دهند. بر اساس این یافته‌ها پیشنهاد می‌شود نهادهای نظارتی و قانون‌گذاران اقتصادی، چارچوب‌ها و استانداردهای شفاف و مشخصی برای گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ایران تدوین کنند. این استانداردها باید شامل الزامات افشای محتاطانه و شفاف اطلاعات باشند تا از تفسیرهای متناقض و ابهامات موجود جلوگیری شود و اعتباردهندگان بتوانند با اطمینان بیشتری به تحلیل اطلاعات مالی و غیرمالی شرکت‌ها پردازند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود برای ارتقای درک و آگاهی اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران نسبت به اهمیت CSR و نحوه ارتباط آن با ریسک‌های مالی و اعتباری، لازم است برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی طراحی و اجرا شود. این برنامه‌ها می‌توانند با معرفی اصول محافظه‌کاری در گزارشگری CSR و تأثیرات آن بر کاهش ریسک، موجب اعتمادسازی بیشتر در بازارهای مالی شوند.

منابع

- ✓ بحری ثالث، جمال، فرخی، الهام، (۱۴۰۲)، بررسی رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و مسئولیت اجتماعی، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۶، شماره ۸۰، صص ۴۰-۶۸.
- ✓ حاجیها، زهره، شاکری، عبدالرضا، (۱۳۹۸)، حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۷۵-۱۹۲.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، سهرابی، حسینعلی، غواصی کناری، محمد، (۱۳۹۹)، ارتباط گزارشگری مسئولیت اجتماعی با ارزش شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۱-۲۰.
- ✓ سهمانی اصل، محمد علی، نصیری فر، هاشم، ویسی حصار، ثریا، (۱۴۰۰)، تأثیر رقابت در بازار محصول بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اهرم مالی شرکت‌ها، نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۹۳-۱۱۴.

- ✓ کردستانی، غلامرضا، قادرزاده، سید کریم، حقیقت، حمید، (۱۳۹۷)، تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی بر معیارهای حسابداری، اقتصادی و بازار ارزیابی عملکرد شرکت ها، پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۸۷-۲۱۷.
- ✓ گروسی، حبیب‌الله، ایزدی نیا، ناصر، دستگیر، محسن، (۱۳۹۹)، تأثیر سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش بازار شرکت، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۵۱-۷۶.
- ✓ مشایخ، مهناز، پارسایی، منا، کرانی، اکرم، (۱۴۰۰)، رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با کیفیت اطلاعات حسابداری و گزارش حسابرس، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۴۱-۶۴.
- ✓ میرزاپور، فریبا، (۱۴۰۲)، تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی بر رابطه بیش اطمینانی مدیران و خطر سقوط قیمت سهام، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۶، شماره ۸۱، صص ۲۸۳-۳۰۰.
- ✓ ولی زاده لاریجانی، اعظم، مفاخری باشماق، سارینا، (۱۴۰۳)، گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تأمین مالی (تسهیلات بانکی و اوراق بدهی)، مدیریت دارایی و تأمین مالی، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۱۸.
- ✓ Ali, K. M. (2022). The effect of corporate social responsibility on debt finance: The moderating effect of accounting conservatism. *Journal of Accounting, Business and Management (JABM)*, 29(1), 67-83.
- ✓ Al-Shammari, M. A., Banerjee, S. N., & Rasheed, A. A. (2022). Corporate social responsibility and firm performance: A theory of dual responsibility. *Management Decision*, 60(6), 1513-1540.
- ✓ Anagnostopoulou, S. C., Tsekrekos, A. E., & Voulgaris, G. (2021). Accounting conservatism and corporate social responsibility. *The British Accounting Review*, 53(4), Article 100942.
- ✓ Anis, I., & Utama, S. (2016). The effect of conditional conservatism on cost of debt and mediation role of CSR disclosure: Empirical evidence from IDX. *International Journal of Sustainable Development*, 9(9), 19-34.
- ✓ Aryatama, M. I., & Raharja, S. (2021). The Effect of Capital Intensity, Corporate Social Responsibility, and Profitability on Tax Avoidance (In Manufacturing Companies Industry of Food & Beverage Sub Sectors Listed on Indonesia Stock Exchange 2015-2020). *Diponegoro Journal of Accounting*, 10(4).
- ✓ Bae, K. H., El Ghouli, S., Gong, Z. J., & Guedhami, O. (2018). Does CSR reduce the costs of high leverage? Evidence from loan spreads. *Journal of Corporate Finance*, 52, 451-468.
- ✓ Ball, R., Robin, A., & Sadka, G. (2008). Is financial reporting shaped by equity markets or by debt markets? An international study of timeliness and conservatism. *Review of Accounting Studies*, 13(2-3), 168-205.
- ✓ Carey, P., Liu, L., Qu, W. (2017). Voluntary Corporate Social Responsibility Reporting and Financial Statement Auditing in China. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13, 244-262.
- ✓ Chava, S. (2014). Environmental externalities and cost of capital. *Management Science*, 60(9), 2223-2247.
- ✓ Chen, J. C., & Roberts, R. W. (2010). Toward a more coherent understanding of the organization-society relationship: A theoretical consideration for social and environmental accounting research. *Journal of Business Ethics*, 97(4), 651-665.
- ✓ Chen, R., Hung, S. (2020). Exploring the Impact of Corporate Social Responsibility on Real Earnings Management and Discretionary Accruals. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 1-19.
- ✓ Cheng, B., Ioannou, I., & Serafeim, G. (2014). Corporate social responsibility and access to finance. *Strategic Management Journal*, 35(1), 1-23.

- ✓ Cho, C. H., & Patten, D. M. (2007). The role of environmental disclosures as tools of legitimacy: A research note. *Accounting, Organizations and Society*, 32(7-8), 639-647.
- ✓ Cho, S.-Y., Kang, P. K., Lee, C., & Park, C. (2020). Financial reporting conservatism and voluntary CSR disclosure. *Accounting Horizons*, 34(2), 63-82. <https://doi.org/10.2308/acch-19-054>.
- ✓ Francis, R. N., Harrast, S. A., Mattingly, J. E., & Olsen, L. (2013). The relation between accounting conservatism and corporate social performance: An empirical investigation. *Business & Society Review*, 18(2), 193-222.
- ✓ Ghoul, S., Guedhami, O., Kwok, C., & Mishra, D. (2011). Does Corporate Social Responsibility Affect the Cost of Capital? *Journal of Banking and Finance*, 35, 2288–2406.
- ✓ Gigler, F., Kanodia, C., Sapra, H., & Venugopalan, R. (2009). Accounting conservatism and the efficiency of debt contracts. *Journal of Accounting Research*, 47(3), 767-797.
- ✓ Goss, A., & Roberts, G. S. (2011). The impact of corporate social responsibility on the cost of bank loans. *Journal of Banking & Finance*, 35(7), 1794-1810.
- ✓ Guo, J., Huang, P., & Zhang, Y. (2020). Accounting conservatism and corporate social responsibility. *Advances in accounting*, 51, 100501.
- ✓ Hamrouni, A., Benkraiem, R., & Lakhel, F. (2019). CSR performance and the cost of debt: Does the life cycle stage of the firm matter? *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 26(3), 680-693.
- ✓ Hermeindito, H. (2022). Relationships Between Corporate Social Responsibility, Firm Value, and Institutional Ownership: Evidence from Indonesia. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 9(5), 365-376.
- ✓ Kang, P. K., Kim, H., & Yu, E. (2017). Accounting conservatism and access to debt financing. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36(4), 259-275.
- ✓ Kim, Y., Li, H., & Li, S. (2014). Corporate Social Responsibility and Stock Price Crash Risk. *Journal of Banking and Finance*, 43, 1–13.
- ✓ Kuo, L., & Chen, V. Y. J. (2013). Is environmental disclosure an effective strategy on establishment of environmental legitimacy for organization? *Management Decision*, 51(7), 1462-1487.
- ✓ Lee, C. W. J. (2012). Conservatism and financial flexibility: Evidence from firm's decisions to access debt markets. *Review of Accounting Studies*, 17(3), 587-625.
- ✓ Li, Y., Chen, R., & Xiang, E. (2022). Corporate social responsibility, green financial system guidelines, and cost of debt financing: Evidence from pollution-intensive industries in China. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 29(3), 593-608.
- ✓ Lindblom, C. K. (1994). The implications of organizational legitimacy for corporate social performance and disclosure. *Critical Perspectives on Accounting Conference*.
- ✓ Liu, M., & Lu, W. (2021). Corporate social responsibility, firm performance, and firm risk: the role of firm reputation. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 28(5), 525-545.
- ✓ Liu, Y., Wang, A., & Tan, R. (2025). The intersection of security attributes of national debt and socially responsible investment objectives. *Journal of International Money and Finance*, 152, 103265.
- ✓ Magnanelli, B. S., & Izzo, M. F. (2017). Corporate social performance and cost of debt: The relationship. *Social Responsibility Journal*, 13(2), 250-265.
- ✓ Mathuva, D. M., Mboya, J. K., & Makau, M. S. (2017). The influence of corporate social responsibility disclosure on financial performance: A study of publicly listed firms in Kenya. *African Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 5(3), 203-220.
- ✓ Menz, K. M. (2010). Corporate social responsibility: Is it rewarded by the corporate bond market? A critical note. *Journal of Business Ethics*, 96(1), 117-134.

- ✓ Michaels, A., & Grüning, M. (2017). Corporate social responsibility and its impact on financial performance: A literature review. *Journal of Management Control*, 28(3), 261-284.
- ✓ Muhammad, H., Paolone, F., & Migliori, S. (2025). Board gender diversity and accounting conservatism: the role of corporate social responsibility. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 16(1), 107-136.
- ✓ Pyo, G., & Lee, H. Y. (2013). The association between corporate social responsibility activities and earnings quality: Evidence from donations and voluntary issuance of CSR reports. *Journal of Business Ethics*, 114(3), 461-474.
- ✓ Rezaee, Z., Doub, H., Zhang H, (2019). Corporate Social Responsibility and Earnings Quality: Evidence from China, *Global Finance Journal*. In Press.
- ✓ Shobandiyah, S., & Rahmadhani, S. (2024). The Influence of Corporate Social Responsibility (CSR) Expenditure Elements on Debt Financing and The Moderating Role of Accounting Conservatism. *The Indonesian Journal of Accounting Research*, 27(2), 335-364.
- ✓ Suchman, M. C. (1995). Managing legitimacy: Strategic and institutional approaches. *Academy of Management Review*, 20(3), 571-610.
- ✓ Tai, F. M., & Chuang, S. H. (2014). Corporate social responsibility. *Ibusiness*, 6(03), 117.
- ✓ Tan, H., Wang, L., & Zhou, J. (2020). Corporate social responsibility and public versus private debt. *Journal of Corporate Finance*, 60, Article 101543. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2019.101543>.
- ✓ Velte, P. (2020). Corporate social responsibility and earnings management: A literature review. *Corporate Ownership & Control*, 17(2), 8-19.
- ✓ Yang, H., Lin, S., & Cheng, K. (2018). Corporate social responsibility and long-term debt maturity. *Finance Research Letters*, 27, 116-122.
- ✓ Zhang, J. (2008). The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers. *Journal of Accounting and Economics*, 45(1), 27-54.
- ✓ Zhu, Y., Sun, L. Y., & Leung, A. S. (2014). Corporate social responsibility, firm reputation, and firm performance: The role of ethical leadership. *Asia pacific journal of management*, 31, 925-947.